

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۲ اکتوبر ۲۰۲۰

## "هر سخن جائی و هر نکته مکانی دارد"

۲

پنجشنبه - ۱۰ میزان ۱۳۹۹ - کابل:

به ادامه گذشته:

با تأسف چنین هموطنانی که گاهی واقعاً صحبت های بسیار ارزنده ای هم می نمایند، متوجه نیستند که با این موقع شناسی هم به نام و شهرت خود آسیب می رسانند و حد اقل صاحب مجلس از آنها آزرده خاطر می گردد و هم نظرات و تحلیل های ارزشمندی را که بیجا مطرح می سازند، بی ارزش می سازند. از جمله می خواهم توجه شما را به بحثی جلب نمایم که با تأسف به مثابه یک "بحث اضافی" در تجمعی جلب نمایم که به علت مرگ یکی از آشنایان جمع شده بودیم.

هرچند فضای اتاق کوچک نبود و به اصطلاح چند خانه "بردربر" را فرا می گرفت و کلکین ها هم همه باز بودند و جمعی از شرکت کنندگان ماسک هم جلو دهان داشتند، با آنهم ترس از کرونا در همه حالت، از همه کس می خواست تا زود تر قاری قرائت آخرش را نموده، مجلس را ختم نماید تا خطر احتمال آسیب رسانی کرونا کاهش یابد. یعنی اهل مجلس بدون آن که به اهمیت مطالبی که مطرح می کردند، از آغاز زیر فشار "ختم سریعتر" قرار داشتند، یعنی هر کلمه و هر جمله ای که از دهن یک تن از حضار بیرون می شد، به جای آن که به اهمیت آن توجه صورت گیرد، بیشتر "روده درازی" و "وقت ناشناسی" تلقی شده، هیچ نوع استقبالی از آن صورت نمی گرفت.

در چنین یک فضائی یک تن از همسایگان صاحب خانه که الحق آدم دانسته و تحلیلگر ماهری بود و اگر اندکی موقع شناس نیز می بود، می شد گفت از فهم خود نیز بدرستی استفاده می نمود، در پاسخ به سؤال سرسری- به سببی می نویسم سرسری که سؤال کننده در همان آغاز پاسخ آن مرد فهیم، اتاق را ترک گفت و تا ختم مجلس دیگر پای به داخل اتاق نگذاشت. یک تن از شرکت کنندگان، بحث عالمانه و دقیقی را به راه انداخت که با تأسف با تمام غنای آن، صرف به دلیل آن که بیجای مطرح شده بود، نمی توانست گره کشای باشد.

سؤال شخص، "خلیلزاد" و نقش وی در موافقتنامه طالب با امریکا بود.

آن هموطن آگاه ما، قبل از آن که به بحث در مورد "خلیلزاد" بپردازد، با یک مقدمه بسیار بسیار آموزنده، صحبتش را از بورسهای - فولبرایت- آغاز نمود، که در زمان "ظاهر خان"، برای یک سال متعلمین صنوف ۱۰ و یازده را به

امریکا می فرستادند و جوان "خیمچه" مانند را زیر نام آشنائی با طرز زندگی خانواده های امریکائی، به مانند یک عضو خانواده، در خانواده ای اسکان می دادند که همه مریبان و آموزگاران "سیا" بودند.

از دید آن هموطن، این سیاست پاسخ مسقیم امریکائی ها به پروژه "کورسهای مستعجلی" بود که سردار "داوود" مستقلانه و یا به مشوره روسها در زمان صدراتش در اردو به وجود آورده بود. کورسهای که افراد برآمده از آن سرانجام سر شخص "داوود" را خوردند.

آن هموطن استدلال می نمود که امریکائی ها با بردن جوانان خیمچه گونه و نقش پذیر و جای دادن آنها در خانه های افراد وابسته به "سیا"، استخوانبندی تربیتی آنها را چنان تغییر می دادند که بدون آن که خود بدانند به جواسیس سرسپرده ای استحاله می یافتند که برایشان هیچ چیزی برتر و مهمتر از تأمین خواست و اراده امریکا نبود. به گفته این هموطن یکی از قربانیان این پروژه استخباراتی پیچیده که بعد ها خودش به مثابه بزرگترین خاین در اواخر قرن بیست و ربع اول قرن و بیست و یک، وارد عرصه حیات اجتماعی مردم ما شده و با خدمت صادقانه به امپریالیسم امریکا، دستشانش تا مرفق به خون مردم افغانستان رنگین است، شخص "زلمی خلیل زاد" می باشد. یعنی "خلیل زاد" در عین حالی که خودش قربانی یک سیاست ناسالم "ظاهر خان" است، یک مجرم مکرری است که چه بسا هیچ نداند با هر گامی که بر می دارد، بر طول طومار جنایاتش می افزاید.

از نظر این هموطن که صحبتش را از دوران جهاد و نقش "خلیل زاد" در معرفی عقب مانده ترین افراد و افسار به مثابه نمایندگان واقعی مردم افغانستان به مقامات امریکائی آغاز کرد که بگذریم، خیانت برجسته اش را از کنفرانس اول بن که به حاکمیت "حامدکرزی" منجر شد و آن خیانت را در مقام "سفیر ایالات متحده امریکا" در افغانستان با احیاء و تقویت "طالب" کامل ساخت، آغاز نمود.

حرکت بعدی اش در امضای موافقتنامه بین طالب و امریکا که در واقعیت امر خط بطلان کشیدن بر توافقات بن، با بیرون راندن تمام متحدین دیروزی که دولت دست نشاندۀ را ساخته اند، باعث گردیده تا افغانستان در چنان موقعیت خطرناکی قرار گیرد، که نه راه پیش رفتن برایش وجود دارد و نه هم عقبگرد.

این هموطن در اخیر صحبتش که تمام حضار با بی صبری به انتظار ختم آن بودند، دو نکته دیگر را هم مطرح نموده گفت: اول این که نمی داند که آیا "خلیل زاد" چنین مأموریت خاینانه ای را انجام می دهند و یا چنان زیرک است که امپریالیسم امریکا را به دنبال سیاست های تباهکن خود کشیده در واقع از پنتاگون و کاخ سفید به نفع خود استفاده می برد و در ثانی تا زمانی که طالب و ارگ رسماً دستان "خلیل زاد" را از مداخله در امور افغانستان کوتاه نسازند، و حتا ارگ وی را به افغانستان "ممنوع الورد" اعلام ندارد، این سرنوشت شوم باربار تکرار خواهد شد.

هموطنان گرامی!

آنچه در سطور بالا از نظراتان گذشت، مختصر و بریده هائی از صحبت تقریباً یک ساعته آن هموطن ما بود که به نظر من در بسیاری از موارد قابل توجه بوده، می بایست در جائی مطرح می گردید، که انعکاس لازم خود را می یافت، دوست و دشمن از آن باخبر می شد و متناسب با آن، عملکرد شان را عیار می ساختند. مگر طرح تمام آن مطالب ارزشمند در فضائی که کمتر کسی آماده شنیدنش بود، به نظر من نه تنها باعث شد تا حرفها شنیده نشوند، بلکه خود شخص هم، به حیث انسان موقع شناس مدال بگیرد.

هموطنان گرامی!

بیانید با ارزش قایل شدن به داشته های فکری مان، به خود ما ارزش و احترام قایل شویم و مطالب خویش را در جایی مطرح سازیم که شنونده آماده شنیدن آن باشد، در غیر آن تخم پاشیدن در شوره زار، هم ضیاع تخم است و هم ضیاع شخصیت خودمان.

**مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزءلایتنجای مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!**

**سرکها ما را می طلبند!**